



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# دختران پیامبر

تألیف: فاطمه فتاحی زاده  
مطبع: هیئت علمی دانشگاه الزهراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان اسوه دختران پیامبر صل الله عليه و آله

نویسنده:

فتحیه فتاحی زاده

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	زنان اسوه دختران پیامبر صل الله علیه و آله
۷	مشخصات کتاب
۷	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۷	فصل اول: زینب دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۱۷	اشاره
۱۹	نسب و خاندان زینب
۲۳	ازدواج زینب
۲۵	فرزندان زینب
۲۷	اسلام زینب
۲۹	هجرت به مدینه
۳۳	وفات زینب
۳۵	فصل دوم: رقیه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۳۵	اشاره
۳۷	ولادت رقیه
۳۹	ازدواج رقیه
۴۳	هجرت رقیه
۴۵	فرزندان رقیه
۴۷	وفات رقیه
۵۱	فصل سوم: ام کلثوم دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۵۱	اشاره
۵۳	نسب ام کلثوم

۵۵	اسلام آوردن ام‌کلثوم
۵۷	ام‌کلثوم و هجرت به مدینه
۵۹	ازدواج ام‌کلثوم با عثمان بن عفان
۶۱	وفات ام‌کلثوم
۶۳	ازدواج عثمان با دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۸۱	فصل چهارم: شیما خواهر رضاعی پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۸۱	اشاره
۸۳	نام و نَسَب
۸۷	جریان اسارت شیما
۹۲	کتابنامه
۹۸	درباره مرکز

## زنان اسوه دختران پیامبر صل الله علیه و آله

### مشخصات کتاب

سرشناسه : فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : دختران پیامبر صل الله علیه و آله زینب ، رقیه ، ام کلثوم به ضمیمه شیما خواهر رضاعی پیامبر صل الله علیه و آله / فتحیه فتاحی زاده.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۹۱ص.؛ ۱۹×۹/۵س.م.

فروست : زنان اسوه؛ ۷.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۶۷-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه : ص. [ ۸۷ ] - ۹۱ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- دختران

رده بندی کنگره : BP۲۷/ف۴د۲۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۳۲۵۱۷

ص: ۱

### دیباچه













ص: ۷

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی، به‌ویژه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های تربیتی و اساسی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان، می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد. از این‌رو پژوهش در آثار اولیای الهی، به‌ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند، به‌منظور الگوگیری از آنان، ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

ص: ۸

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است. در این جستار به شرح حال فرزندخواندگان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زینب، ام کلثوم و رقیه پرداخته شده است که البته شیما خواهر رضاعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز بدان ضمیمه شده است. در پایان مرکز تحقیقات حج لازم می‌داند که از پژوهشگر محترم سرکار خانم فتحیه فتاحی زاده و همکاران محترم‌شان خانم نجمیه افشاری و فاطمه نظری و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر کوشیده‌اند، سپاسگزاری کند.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

**مقدمه**

تاریخ صدر اسلام چنان پر اهمیت است که همواره محققان اسلامی و غیر اسلامی درباره آن تحقیق و پژوهش کرده‌اند. اما از آنجا که برخی از این گزارش‌های تاریخی با هم تناقض دارند، بازنگری تاریخ اسلام می‌تواند نکات غیر واقعی تاریخ را برنمایاند و راه را برای شناخت واقعیت هموار سازد. البته به شرط اینکه این بازنگری و تحقیق به دور از تعصب و پیش‌داوری باشد. بر این اساس در این نوشتار کوشیده‌ایم که به بررسی و شرح حال دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بپردازیم؛ به این صورت که ابتدا روایات مختلف از منابع فریقین را گزارش کرده، سپس با تأکید بر آرای تحلیلی، درستی گفته‌ها را می‌سنجیم. در بخش پایانی نیز به شرح حال

ص: ۱۰

شیمای خواهر رضاعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرداخته‌ایم. امید است که این گام ناچیز، بستر مطالعات دقیق‌تر را در این زمینه فراهم کند.



ص: ۱۱

## فصل اول: زینب دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

اشاره



### نسب و خاندان زینب

بر پایه منابع اهل سنت، زینب بزرگ‌ترین دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و مادرش، خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بوده است. (۱) وی هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سی سال داشت؛ یعنی ده سال قبل از بعثت ولادت یافت. (۲)

اما براساس برخی نقل‌ها، زینب دختر واقعی پیامبر نیست. ابوالقاسم کوفی در روایت صحیحی نقل می‌کند: هاله، مادر زینب، با مردی از بنی مخزوم ازدواج کرد و پس از مرگ شوهرش، بار دوم با مردی از بنی تمیم ازدواج کرد و از او پسری به نام «هند» به دنیا آورد. این مرد تمیمی از همسر دیگرش دو

---

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۷؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۹

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۳۰.

ص: ۱۴

دختر به نام‌های زینب و رقیه داشت. مرد تمیمی با همسرش از دنیا رفتند. هند نیز نزد اقوام پدری خود رفت و هاله با این دو دختر (زینب و رقیه) باقی ماندند. هاله اندکی پس از ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حضرت خدیجه از دنیا رفت و این دو دختر در دامان حضرت خدیجه و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بزرگ شدند و [چون] سنت عرب این بود که اگر کسی یتیمی را تربیت می‌کرد، آن یتیم به او منسوب می‌شد، از این رو، نمی‌توانست با او ازدواج کند. (۱)

یکی از تاریخ‌نویسان معاصر با استناد به این نوع روایات و شواهد دیگری همانند اینکه حضرت خدیجه قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کسی ازدواج نکرده است، ثابت می‌کند که زینب دخترخوانده پیامبر است؛ زیرا طبق نقل‌های فراوان، بزرگان قریش از حضرت خدیجه خواستگاری می‌کنند و او تنها همسری پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برمی‌گزیند. از این رو زنان قریش غضبناک شده او را سرزنش می‌کنند که تو ازدواج با امیران و بزرگان قریش را نپذیرفتی و با یتیم فقیر ابوطالب ازدواج کردی؟!

---

۱- الاستغاثه، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۹؛ ر. ک: تصویر خانواده پیامبر در دائرة المعارف اسلام، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

ص: ۱۵

پس روایاتی که بر ازدواج حضرت خدیجه با اعرابی یا مردی از بنی تمیم دلالت دارد، پذیرفتنی نیست. (۱) افزون بر اینکه در منابع متعدد تصریح شده که زینب و رقیه، دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه و دخترخوانده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده‌اند. (۲) بر این اساس، باید گفت که زینب و رقیه دختران حقیقی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نبودند و در واقع ربائب یا دخترخوانده آن حضرت بودند، اما چون در دامان پیامبر اسلام رشد یافتند، طبق سنت عرب، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منسوب شدند.

---

۱- بنات النبی أم ربائبه، جعفر مرتضی عاملی، صص ۹۱ و ۹۲

۲- مناقب الامام علی بن ابی طالب، ابن مغزلی، ج ۱، ص ۱۵۹.



ص: ۱۷

**ازدواج زینب**

زینب پیش از بعثت با «ابوالعاص بن ربیعہ بن عبدالعزی بن عبد شمس بن مناف بن قصی» که مردی ثروتمند و از قبیله قریش بود، ازدواج کرد. (۱) بنا به نقلی نام ابوالعاص، «لقیط» (۲) و به عقیده برخی دیگر نام وی «قاسم» یا «مقسم» بوده است. (۳)

برخی معتقدند که مادر ابوالعاص، هاله دختر خویند و خواهر حضرت خدیجه است که در این صورت زینب دختر حضرت خدیجه (علیها السلام) و ابوالعاص پسرخاله زینب بوده است. (۴)

- ۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۷؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۹؛ البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۸؛ قرب الاسناد، ص ۹
- ۲- اسدالغابۀ، ج ۷، ص ۱۴۴
- ۳- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۳؛ البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۸
- ۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۱؛ البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۹.

ص: ۱۸

پس از بعثت و دشمنی قریش با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آنان پیشنهاد طلاق دادن دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در ازای گرفتن امتیازاتی به ابوالعاص دادند. ولی ابوالعاص این پیشنهاد را رد کرد و زینب را بهترین همسر برای خود خواند. (۱)

---

۱- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۳.



ص: ۱۹

**فرزندان زینب**

زینب برای ابوالعاص پسری به نام علی و دختری به نام «امامه» آورد. علی در کودکی در گذشت و امامه زنده ماند و علی بن ابی طالب پس از شهادت فاطمه (علیها السلام) امامه را به توصیه خود حضرت زهرا ۳۱ قبل از شهادتش، به همسری گرفت. (۱)

---

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۰؛ البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۹؛ منتهی المطلب، ج ۳، ص ۳۱۴.



ص: ۲۱

**اسلام زینب**

زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نبوت مبعوث شد، زینب در غیاب همسر خود ابوالعاص به منزل پدر رفت و مادرش خدیجه او را از نبوت پدر آگاه کرد. در همان زمان، زینب همراه با دیگر خواهرانش اسلام را پذیرفتند. زینب پس از بازگشت به خانه به شوق استقبال همسرش از دین محمد (صلی الله علیه و آله) به انتظار او نشست. اما ابوالعاص با وجود اینکه پیامبر را بسیار دوست می‌داشت و در صداقتش شک نداشت، از پذیرش اسلام ابا کرد و گفت:

من پدر تو را دوست دارم. اما نمی‌خواهم که مردم بگویند شوهرت قوم خویش را خوار کرد و به پدرانش کفر ورزید تا زنش را راضی کند.

اما زینب با وجود انکار ابوالعاص همواره در کنار

ص: ۲۲

او ماند و تلاش کرد که او را به اسلام فراخواند و او را قانع کند که آنچه محمد (صلی الله علیه و آله) آورده از سوی خداست. از سوی دیگر ابوالعاص نیز همسر خود را به تکذیب پدر یا رجوع به پدران خود و عبادت بت‌ها وادار نمی کرد. (۱)

بعد از وفات حضرت خدیجه و ابوطالب (سال دهم بعثت) که یاور پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، محمد (صلی الله علیه و آله) دچار اندوه فراوان شد و این سال را «عام الحزن» نامید. زینب و دیگر دختران حضرت برای کاهش ناراحتی ایشان، تمام محبت و عشق خود را به ایشان ابراز می کردند.

زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به یثرب هجرت کرد، سران قریش در پی قتل ایشان برآمدند و زینب تا رسیدن خبر سلامتی پیامبر به یثرب آرام و قرار نداشت و نگران بود. (۲)

---

۱- نساء حول الرسول، ج ۱، ص ۵۸

۲- همان، صص ۶۱ و ۶۲.

ص: ۲۳

**هجرت به مدینه**

در روایت آمده است که زینب پس از اسلام آوردن همراه پیامبر به مدینه هجرت کرد.<sup>(۱)</sup> اما ابوالعاص از مسلمان شدن خودداری کرد.<sup>(۲)</sup>

در روایتی دیگر آمده است که ابوالعاص همراه مشرکان در جنگ بدر شرکت کرد و اسیر شد و چون مردم مکه افرادی را برای پرداخت فدیة اسیران روانه کردند، زینب نیز گردن‌بندی را که هدیه مادرش بود، همراه عمر بن ربیع، برادر ابوالعاص به عنوان فدیة ابوالعاص فرستاد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دیدن گردن‌بند، آن را شناخت و به مسلمانان فرمود: «اگر صلاح بدانید اسیر زینب را رها

---

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳؛ سبل‌الهدی، ج ۱۱، ص ۲۹؛ به نقل از: طبرانی و بزار با سند صحیح

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳.

ص: ۲۴

کنید و کالای او را همراه خودش پس فرستید» .

مسلمانان به این فرمان گردن نهادند و پیامبر از ابوالعاص تعهد گرفت که زینب را برای آمدن به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و

آله) آزاد بگذارد و ابوالعاص به وعده‌اش عمل کرد. (۱)

عبدالله بن ابی‌بکر در روایتی از قول زینب می‌گوید:

همین که ابوالعاص به مکه بازگشت به من گفت: «آماده شو که به پدرت ملحق گردیم». من به همین منظور از خانه بیرون آمدم که دختر عُبَیة مرا دید و گفت: «ای دختر محمد به من خبر رسیده که آهنگ پیوستن به پدرت را داری». گفتم: «نه». گفت: «از من پنهان نکن. من زنی ثروتمند هستم و می‌توانم تمامی نیازهای سفر تو را فراهم کنم». اما زینب می‌گوید: «باز از ترس گفتم که چنان قصدی ندارم» .

وقتی زینب آماده شد، کنانه بن ربیع که برادرشوهش بود، همراه او به راه افتاد. وقتی اهل مکه این خبر را شنیدند، هباربن اسود و نافع بن عبدالقیس فهری به دنبال آنها رفتند و شروع به تهدید آنها کردند. در این هنگام، کنانه تیری در کمان خود نهاد و گفت: «هرکس به من نزدیک شود، او را با تیر

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۷؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۱۵۴.

ص: ۲۵

خواهم زد» .

ابوسفیان که همراه جمعی از بزرگان مکه به تعقیب آنها آمده بود، گفت: «تیر مینداز تا با تو صحبت کنم». آن گاه آمد و کنار کنانه ایستاد و گفت:

این کار صحیحی نبود که این زن را روز روشن و در برابر همه مردم حرکت دادی. وانگهی تو می‌دانی که چه مصیبت بزرگی در بدر به ما رسیده است. به همین سبب، مردم از این کار تو خشمگین هستند و آن را برای خود توهینی می‌دانند و می‌گویند اجازه نمی‌دهیم که دختر محمد (صلی الله علیه و آله) را از چنگ ما بیرون ببرد. حالا- هم او را برگردان و چند روزی که گذشت، بی‌سروصدا او را در شب راه بینداز و پیش پدرش ببر؛ چون به جان خودم ما نیازی به حبس کردن او نداریم و با توجه به گرفتاری‌های خود، کینه‌ای از او در دل نمی‌پرورانیم.

کنانه بن ربیع گوش داد و همراه زینب به مکه برگشت و پس از دوسه روز او را آرام و بی‌سروصدا حرکت داد و به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورد.

و در نقلی آمده است، هنگامی که هبار بن اسود به کنانه و زینب رسید و آن دو را تهدید کرد، زینب از ترس کودکی را که در شکم داشت، سقط کرد. (۱)

۱- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۶۵۳؛ دلائل النبوه، ج ۳، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

ص: ۲۶

در روایتی از قتاده آمده است که ابوالعاص اندکی پس از هجرت زینب، مسلمان شد و نزد پیامبر آمد و رسول خدا زینب را پیش او برگرداند. (۱)

قتاده گوید:

سپس سوره براءت نازل شد و طبق آیات آن سوره، هرگاه زن پیش از شوهر مسلمان می‌شد، راهی برای رجوع شوهر جز با عقد مجدد نبود.

مؤید کلام قتاده، روایت دیگری است که ابومعاویه ضریر و یزید بن هارون از عمر بن شعیب از پدرش نقل کرده‌اند که گفته است: «پیامبر دخترش را با عقد و کابین تازه به ابوالعاص برگرداند». (۲)

در روایتی نیز به نقل از ابن عباس آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با همان عقد نخست و بدون تعیین مهر جدید، زینب را نزد ابوالعاص فرستاد. (۳)

۱- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۷؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۹؛ به نقل از: حاکم با سند صحیح؛ البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۱۹

۲- الطبقات الكبرى، ج ۸، صص ۲۶ و ۲۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۷؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۳۱

۳- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۹؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۰؛ البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳۳۲؛ به نقل از شعبی؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۳۲؛ المبسوط، ج ۵، ص ۵۱.



ص: ۲۷

**وفات زینب**

زینب در آغاز سال هشتم هجری در مدینه در گذشت (۱) و ام‌ایمن کنیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، سوده دختر زمعه و ام سلمه همسران پیامبر از کسانی بودند که پیکر او را غسل دادند. (۲)

در روایتی آمده است که پس از وفات زینب، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

شمار غسل‌هایی که به او می‌دهید، فرد باشد؛ سه بار یا پنج بار و در غسل پنجم، مقداری کافور اضافه کنید و چون او را غسل دادید مرا خبر کنید.

پس از اتمام غسل، حضرت پارچه‌ای از جامه خود را دادند و فرمودند: «این را بر بدنش بپچید» (۳)

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳؛ تاج الموالید، ص ۸

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۸ و ۲۹؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۱

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۸ و ۲۹؛ مغنی المفتاح، ج ۱، ص ۳۳۴.

ص: ۲۸

در روایتی آمده است که وقتی زینب وفات کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر جنازه او نماز گزارد(۱) و در روایتی دیگر آمده است که فاطمه (علیها السلام) بر خواهرش نماز خواند.(۲) که البته با وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز خواندن حضرت فاطمه (علیها السلام) بعید است و در صحت روایت مزبور باید تردید کرد.

۱- انساب الأشراف، ج ۱، ص ۳۹۷

۲- استبصار، ج ۱، ص ۴۸۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۳۳؛ الحدائق الناضره، ج ۴، ص ۸۵؛ جواهرالکلام، ج ۴، ص ۲۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۹.

ص: ۲۹

## فصل دوم: رقيه دختر رسول خدا (صلى الله عليه و آله)

اشاره



ص: ۳۱

**ولادت رقیه**

رُقیه در سن ۳۳ سالگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دنیا آمد. (۱)

برخی گمان کرده‌اند که رقیه، کوچک‌ترین دختر رسول خدا بوده است. اما گروهی دیگر معتقدند که زینب بزرگ‌ترین دختر پیامبر و رقیه پس از اوست.

ابوعمر نیز می‌گوید:

در اینکه زینب بزرگ‌ترین دختر پیامبر باشد، اختلافی نیست. اما در فرزندان بعد از او اختلاف نظر وجود دارد. (۲)

همان‌طور که در مبحث قبلی اشاره شد، رقیه نیز

---

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۳؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۱۴؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۱۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸.

ص: ۳۲

طبق نقل معتبر، دخترخوانده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. (۱) علامه جعفر مرتضی نیز با تکیه بر این نقل‌ها و گفته قتاده که رقیه و خواهران او در دوران اسلام به دنیا آمدند (۲) یا این مطلب که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه سال یا پنج سال قبل از بعثت با حضرت خدیجه ازدواج کرده است (۳)، نتیجه می‌گیرد رقیه‌ای که با عتبه فرزند ابولهب و سپس با عثمان ازدواج کرده، غیر از رقیه‌ای است که پس از اسلام (بنا به نقلی) از حضرت خدیجه متولد شده است. (۴) به هر حال رقیه‌ای که در منابع از آن سخن به میان آمده است، دخترخوانده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است.

رقیه بعد از اسلام آوردن با رسول خدا بیعت کرد. (۵) وی از همان ابتدای پذیرش اسلام، در گفتار و رفتار همانند حضرت خدیجه (علیها السلام) و از مکارم اخلاق و ایمان وافر برخوردار بود. (۶)

۱- ر. ک: الاستغاثه، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۹

۲- البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۶

۳- تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۲۶۴

۴- الصحيح من سیره النبی، ج ۲، صص ۱۲۶-۱۳۰

۵- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۱۴؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۲۳

۶- نساء حول الرسول، ج ۱، ص ۶۵.

## ازدواج رقيه

در روایات آمده است که رقيه قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عتبۀ بن ابی لهب بن عبدالمطلب ازدواج کرد. مادر عتبۀ امجلیل دختر حرب بن امیه بود که بعد از نزول سورۀ مبارکه «مسد» به «حَمَالَةُ الْحَطَبِ» معروف شد. زمانی که خبر بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابولهب و همسرش امجلیل رسید، آنها شروع به تمسخر پیامبر کردند و شیطان تخم کینه را در وجودشان نهاد. آنها تصمیم گرفتند که از نزدیک‌ترین افراد پیامبر، یعنی رقيه و ام کلثوم، انتقام بگیرند و این انتقام با آزار و اذیت آنها بود. امجلیل در این مدت تمام تلاش خود را برای پراکندن بذر نفاق و فتنه و فساد به کار برد و کوشید تا در راه تبلیغ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) موانعی را

ص: ۳۴

ایجاد کند تا او را آزار دهد تا اینکه سوره مسد نازل شد. (۱)

زمانی که آیه اول سوره مسد نازل شد، ابولهب از پسرش عتبه خواست که رقیه را طلاق دهد و گفت:

رَأْسِي مِنْ رَأْسِكَ حَرَامٌ إِنْ لَمْ تَطْلُقْ إِبْنَتَهُ. (۲)

اگر دختر او [محمد (صلی الله علیه و آله)] را طلاق ندهی، همواره با تو قهر خواهم بود.

به نظر می‌رسد که در صورت درستی این روایت، درخواست طلاق از جانب ابولهب برای انتقام از رقیه و پدرش باشد؛ چرا که رقیه

به اسلام گرویده بود. (۳)

گرچه روایت مذکور معروف است، اما در روایت دیگری آمده است که با نزول آیه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از عتبه خواست که رقیه را طلاق دهد. رقیه دلیل آن را جویا شد و حضرت فرمود: «زن ابولهب حمالة الحطب است». عتبه، رقیه را طلاق

داد و وی با عثمان بن عفان در مکه ازدواج کرد. (۴)

۱- نساء حول الرسول، ج ۱، ص ۶۷

۲- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۳۰؛ الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰

۳- الصحيح من سيرة النبي، ج ۵، ص ۲۳۴

۴- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۹؛ الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۱۴؛ امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۳۴۴؛ البدء و التاريخ،

ج ۵، ص ۱۷؛ درالمنثور في تفسير المأثور، ج ۶، ص ۴۰۹.



ص: ۳۵

درخواست طلاق از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن دلالت دارد که حضرت می‌کوشید از همراهی زن مسلمان و مرد مشرک جلوگیری کند. (۱)

درحالی که در نقلی دیگر از ابن هشام آمده است که قریش برای اینکه پیامبر را درگیر مشکلات خانوادگی کنند، فرزندان ابولهب را تحریک کردند و به طلاق دادن دختران پیامبر واداشتند. (۲)

با توجه به اینکه ابن هشام پیش از همه بدون ذکر ابولهب و داستان شأن نزول سوره مسد، قریش را موجب طلاق دانسته است و از سوی دیگر، بعضی روایات نزول سوره مسد را مربوط به سال‌های هفتم تا دهم پیش از هجرت می‌دانند (۳)، بیان ابن هشام که قریش باعث و تحریک‌کننده طلاق بودند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. البته جای این احتمال نیز باقی است که ابولهب و ام‌جمیل در واکنش به نزول این سوره، فرزندان خود را به طلاق واداشته باشند؛ زیرا روایت دیگری نزول این سوره را مربوط به سال‌های آغازین بعثت می‌داند. (۴)

۱- الصحيح من سيرة النبي، ج ۵، ص ۲۳۵

۲- السيرة النبوية، ج ۲، صص ۳۰۶ و ۳۰۷

۳- درالمنثور، ج ۸، ص ۶۶۸

۴- همان، ج ۶، ص ۳۲۶؛ ر. ک: تصویر خانواده پیامبر، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.



ص: ۳۷

**هجرت رقیه**

عثمان بن عفان در مکه با رقیه ازدواج کرد و ابتدا با او به حبشه هجرت کرد و سپس از حبشه به مکه برگشتند و همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدینه رفتند. پس از زیاد شدن آزار مشرکان، عثمان و رقیه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند و از شدت آزار مشرکان شکایت کردند. پس از ایشان، گروهی دیگر از مؤمنان برای شکایت از وضع موجود نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و پیامبر به ایشان فرمود که به حبشه هجرت کنند. پس از هجرت به حبشه، شایعه شد که قریش به محمد (صلی الله علیه و آله) ایمان آورده است و در این هنگام بسیاری از هجرت کنندگان به حبشه، از جمله عثمان و رقیه، به مکه بازگشتند. اما قریش با رسیدن خبر بازگشت مهاجران، بیش از پیش به آزار و اذیت آنها پرداخت و این امر موجب شد که

ص: ۳۸

مؤمنان دوباره از رسول، اجازه هجرت به حبشه را بگیرند. از این رو عثمان و رقيه برای بار دوم به حبشه هجرت کردند. رقيه تنها دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود که به حبشه هجرت کرد. (۱)

درباره هجرت به حبشه روایت شده است اولین مسلمانانی که از بنی امیه بن عبدشمس بن عبدمناف به حبشه هجرت کردند، عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه، با همسرش رقيه بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) بودند. (۲)

جعفر مرتضی عاملی می گوید:

در اینکه عثمان و خانواده اش اولین مهاجران به حبشه بودند، جای شک است؛ چرا که اگر او اولین مهاجر با خانواده اش باشد، پس اباسلمه چه می شود که او را اولین مهاجر با خانواده دانسته اند (۳) و اگر او اولین کسی باشد که به تنهایی مهاجرت کرده، پس اینکه برخی اولین مهاجر را «حاطب بن ابی عمر» (۴) یا «سلیط بن عمر» (۵) دانسته اند چه می شود؟! (۶)

- ۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸؛ امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۳۴۴؛ البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۷؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹
- ۲- السیره النبویه، ابن کثیر، ج ۲، صص ۳ و ۴
- ۳- الاصابه، ج ۲، ص ۳۳۵
- ۴- همان، ج ۱، ص ۳۰۱؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۲۳
- ۵- السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۲۳
- ۶- الصحیح من سیره النبی، ج ۳، ص ۱۲۴.

ص: ۳۹

**فرزندان رقیه**

رقیه در حبشه از عثمان فرزندی به دنیا آورد و نام او را «عبدالله» گذاشت؛ اما وی پس از ابتلا به بیماری در دو سالگی و به نقلی در شش سالگی (۱) درگذشت. در روایتی نیز آمده است که وی در سال چهارم هجری و بعد از مادرش رقیه از دنیا رفت (۲) و رقیه دیگر فرزندی به دنیا نیاورد. (۳)

۱- اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۱۴

۲- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷

۳- سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۴؛ البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹.



ص: ۴۱

**وفات رقیه**

رقیه بعد از جنگ بدر و بازگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه نزد عثمان وفات یافت (۱) و در بقیع به خاک سپرده شد. (۲) مؤید تاریخ وفات رقیه روایتی است که وفات وی را در ماه ذی‌الحجه و بعد از جنگ بدر می‌داند. ابن‌قتیبه ذکر می‌کند که رقیه ده ماه و بیست روز بعد از ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه درگذشت. معنای گفته ابن‌قتیبه آن است که رقیه در ماه محرم وفات کرده است و این روایت وفات رقیه را بعد از

- 
- ۱- سبل‌الهدی، ج ۱۱ ص ۳۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۰؛ در این کتاب آمده است که روایت یونس بن یزید از ابن‌شهاب درباره وفات رقیه بعد از جنگ بدر صحیح است؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸؛ امتاع‌الاسماع، ج ۵، ص ۳۴۵؛ الطبقات‌الکبری، ج ۸، ص ۲۹
  - ۲- انساب‌الاشراف، ج ۲، ص ۲۹.

ص: ۴۲

جنگ بدر تقویت می‌کند. اگرچه این مطلب نیازمند بررسی و دقت بیشتری است. (۱)

با سند صحیح از ابن سعد و غیر او روایت شده که چون رقیه وفات کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الْحَقِي بِسَلْفِنَا عُثْمَانَ بْنِ مِظْعُونَ» (۲) و زنان بر رقیه گریه کردند. سپس عمر بن خطاب آمد و شروع به زدن زنان کرد. . . . و فاطمه با حال گریه در کنار قبر

نشست و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با گوشه لباسش چشمان او را پاک می‌کرد. (۳)

از انس بن مالک نیز با سندی صحیح روایت شده که ما شاهد دفن دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودیم و دیدیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر سر مزار رقیه نشسته بود و از چشمانش اشک جاری می‌شد. سپس حضرت فرمود:

از میان شما کسی هست که شب با همسر خود مباشرت نکرده باشد و وارد قبر شود. عثمان وارد

۱- الصحيح من سيرة النبي، ج ۳، ص ۱۲۵.

۲- «ملحق شو به سلفمان، عثمان بن مظعون». عثمان بن مظعون از مسلمانان اولیه بود، به طوری که بعد از سیزده نفر مسلمان شد. در اولین هجرت همراه پسرش به حبشه رفت و سپس به مدینه هجرت کرد. در جنگ بدر حضور داشت. وی مرد عابدی بود و روزها روزه می‌گرفت و شب‌ها به عبادت طی می‌کرد. او اولین مهاجری بود که در مدینه از دنیا رفت و در بقیع مدفون شد؛ اسد الغابه،

ج ۳، صص ۴۹۴ و ۴۹۵

۳- اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۱۴؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۴.



ص: ۴۳

قبر نشد و ابوطلحه انصاری در پاسخ به خواسته پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد قبر شد. (۱)

بنا به نقلی رفتار عثمان با رقيه خوب نبود؛ به طوری که یک بار او را به شدت کتک زد و رقيه در اثر آن به سختی بیمار شد و در اثر همان بیماری از دنیا رفت. (۲)

وفات او در ماه رمضان سال دوم هجری و در روز پیروزی جنگ «بدر» صورت گرفت. (۳)

- ۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۳؛ وی به صحت این روایت از انس درباره وفات رقيه تصریح داشته است؛ امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۳۴۵؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹
- ۲- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷.
- ۳- الصحیح من سیره النبی، ج ۴، ص ۱۲.



ص: ۴۵

## فصل سوم: ام‌کلثوم دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

اشاره



ص: ۴۷

**نسب ام‌کلثوم**

بنابر بعضی روایات، ام‌کلثوم دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و خدیجه بوده [\(۱\)](#) و از نظر سنی نیز از رقیه کوچک‌تر بوده است. [\(۲\)](#)

ام‌کلثوم پیش از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با عتیبه پسر ابولهب بن عبدالمطلب ازدواج کرد. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به نبوت مبعوث شد و خداوند آیه اول سوره مسد را نازل کرد، ابولهب به عتیبه گفت: «اگر دختر محمد را طلاق ندهی همواره با تو قهر خواهم بود». عتیبه، ام‌کلثوم را که با او نزدیکی نکرده بود، طلاق داد. [\(۳\)](#)

۱- الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۳۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۲؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵

۲- اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۸۴

۳- الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۳۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۲؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵؛ اسد الغابه، ج ۶ ص ۳۸۴؛ الاصابه، ج ۸ ص ۴۶۰.

ص: ۴۸

اما طبق گفته برخی محققان معاصر، ازدواج ام‌کلثوم در زمان جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا مطابق بعضی روایات، حضرت فاطمه (علیها السلام) و خواهرش ام‌کلثوم کوچک‌ترین دختران پیامبر بودند. (۱) توجه به اینکه قوی‌ترین قول درباره سال ولادت حضرت فاطمه (علیها السلام) پنجم بعثت است، چگونه ممکن است ام‌کلثوم پیش از بعثت با پسر ابولهب ازدواج کرده باشد؟! (۲)

افزون بر این، نصوص زیادی تصریح دارد بر اینکه فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) (قاسم، عبدالله، طیب و طاهر) جملگی بعد از بعثت متولد شده‌اند. (۳)

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۳۷۳؛ السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۰۸

۲- ر. ک: بنات النبی ام ربائبه، صص ۶۰-۶۳

۳- البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۶؛ المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۶

ص: ۴۹

**اسلام آوردن ام‌کلثوم**

ام‌کلثوم پس از مسلمان شدن مادرش به اسلام گروید و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که از زنان بیعت می‌گرفت از او و خواهرانش نیز بیعت گرفت. (۱)

---

۱- الطبقات الکبری، ج ۸ ص ۳۱؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۰.





ص: ۵۱

**ام‌کلثوم و هجرت به مدینه**

ام‌کلثوم همواره در مکه و نزد پدر بزرگوارش بود. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه هجرت کرد، ام‌کلثوم نیز همراه دیگر کسانی که تحت تکفل حضرت رسول بودند، به مدینه هجرت کرد و مقیم آنجا شد. (۱)

---

۱- الطبقات الکبری، ج ۸ ص ۳۱؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۰.



### ازدواج ام‌کلثوم با عثمان بن عفان

زمانی که رقیه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در گذشت (سال دوم هجری)، عثمان بن عفان با ام‌کلثوم ازدواج کرد. مراسم عقد در ماه ربیع الاول سال سوم هجرت بود و در ماه جمادی‌الآخر همان سال، ام‌کلثوم وارد خانه عثمان شد. (۱) اما در برخی منابع شیعی از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که عثمان ابتدا با ام‌کلثوم ازدواج کرد و سپس در ایام جنگ بدر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) رقیه را به تزویج وی درآورد. (۲)

برای نمونه، مرحوم شیخ عباس قمی این نظریه را نقل می‌کند. ولی سپس می‌گوید: «مشهور تزویج رقیه به عثمان قبل از ام‌کلثوم می‌باشد» (۳)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۱؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۲؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۸۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۰

۲- قرب الاسناد، ص ۹؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۰۴.

۳- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۴۱.



ص: ۵۵

**وفات ام‌کلثوم**

درباره تاریخ وفات ام‌کلثوم روایات متفاوت است؛ چنان‌که در خبری آمده است که ام‌کلثوم در شعبان همان سال از دواجش فوت کرد. (۱) در برخی منابع شیعی نیز آمده است که وفات ام‌کلثوم در سال هفتم هجرت بود. (۲)

در روایاتی نیز آمده است که ام‌کلثوم بدون اینکه فرزندی برای عثمان بیاورد، در شعبان سال نهم هجرت رخت از جهان بریست و اسماء بنت عمیس و صفیه دختر عبدالمطلب او را غسل دادند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود بر پیکر ام‌کلثوم نماز گزارد و کنار قبر نشسته بود و از دیدگانش اشک می‌ریخت و علی (علیه السلام)، فضل بن عباس و

۱- المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵

۲- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷.

ص: ۵۶

اسامه بن زید وارد قبرش شدند. (۱)

در روایت دیگری نیز از انس بن مالک آمده است کسی که وارد قبر ام‌کلثوم شد، ابوظلحه انصاری بود. در بقیع قبه‌ای به نام قبه بنات الرسول روی قبرهای دختران پیامبر بوده که اکنون اثری نیست. (۲)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۶؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۲؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۳۸۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۰.

۲- المنتظم، ج ۳، ص ۳۷۵؛ طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۱.

### ازدواج عثمان با دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پرسشی که معمولاً در این زمینه در اذهان وجود دارد، این است که آیا عثمان با دختران پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت:

یکی از فضیلت‌هایی که برای عثمان بن عفان نقل کرده‌اند، ازدواج او با دو دختر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) به نام‌های رقیه و ام کلثوم است. در این باره دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

۱. معروف آن است که دو همسر عثمان، رقیه و ام کلثوم، فرزندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده‌اند و حقیقت آن است که این گونه ازدواج‌ها براساس مصالح مسلمانان بوده است که اهل سنت با قاطعیت تمام بر آن پافشاری می‌کنند.

ص: ۵۸

۲. عثمان بن عفان قبل از رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دخترخوانده او، رقیه را گرفت که در شب‌های غزوه بدر از دنیا رفت و روز بدر او را به خاک سپردند. بعد از رقیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دخترخوانده دیگر خود را به نام «ام کلثوم» به عثمان داد و آن دختر در سال نهم هجرت از دنیا رفت. بنابر این قول، مادر این دو دختر حضرت خدیجه بوده است.

۳. بعضی هم گفته‌اند: آن رقیه‌ای که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عثمان تزویج کرد، دختر خودش نبود. بلکه او دختر هاله خواهر حضرت خدیجه بود و پیش از او به دنیا آمده بود و رقیه، دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بعد از بعثت به دنیا آمد. همچنین ام کلثوم نیز دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبود، بلکه او نیز دختر هاله خواهر حضرت خدیجه (علیها السلام) بود، و ام کلثوم دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از بعثت به دنیا آمد. (۱)

مقدس می گوید:

حضرت خدیجه هفت فرزند از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داشت: یک پسر به نام عبدمناف که پیش از بعثت به دنیا آمد و دو پسر به نام‌های قاسم و عبدالله و چهار دختر به نام‌های ام کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه [سلام الله علیها] که در دوران اسلام به دنیا آمدند. (۲)

۱- الصحيح من سیره النبی، ج ۱، صص ۱۲۴ و ۱۲۵

۲- البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۶ و ج ۴، ص ۱۳۹.



ص: ۵۹

همچنین قسطلانی، مورخ و نویسنده کتاب «المواهب اللدنیه» می‌گوید: «تمام فرزندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جز عبدمناف، در زمان اسلام و بعد از بعث متولد شده‌اند». (۱)

حال که معلوم شد تمام دختران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بعد از بعث متولد شدند، چگونه می‌توان این قصه تاریخی را باور کرد که دو دختر پیامبر در زمان جاهلیت با دو پسر ابولهب ازدواج کرده و بعد از بعثت از آن دو جدا شده باشند؟! چگونه می‌توان پذیرفت که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، رقیه را به همسری عثمان بن عفان درآورد و او با عثمان در دو هجرت مسلمانان به حبشه همراه شود، درحالی که هجرت اولی در سال پنجم پس از بعثت بود.

چگونه می‌شود که رقیه پیش از بعثت با پسر ابولهب ازدواج کند و از او جدا شود و سپس با عثمان ازدواج کند و با او به حبشه رود، و با این حال بعد از بعثت به دنیا آمده باشد.

دلایلی که در این زمینه آورده شده عبارتند از:

۱. فقدان رابطه صمیمانه بین پیامبر و دیگر دختران آن حضرت؛ با مطالعه سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) درمی‌یابیم که

۱- المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۶.

ص: ۶۰

رابطه بسیار صمیمانه‌ای بین نبی مکرم اسلام و دختر بزرگوارشان صدیقه طاهره (علیها السلام) برقرار بوده است تا جایی که هر زمان پیامبر به سفر می‌رفت، آخرین کسی که با او خداحافظی می‌کرد، فاطمه زهرا بود و وقتی از سفر برمی‌گشت، ابتدا به دیدار فاطمه می‌رفت. علمای بسیاری از شیعه و اهل سنت این رابطه بسیار صمیمانه را در کتاب‌های خود به تصویر کشیده‌اند؛ چنان‌که یکی از القاب ایشان را «ام‌ابیها» نقل کرده‌اند.

ابن حجر عسقلانی، در کتاب الإصابه و ذهبی، در کتاب سیر اعلام النبلاء خود نوشته‌اند: «فاطمه الزهراء... . کانت تُکَنَّى أُمَّ أُبَيْهَا» (۱). اما هیچ روایتی، حتی یک روایت ضعیف نیز در کتاب‌های شیعه و سنی نقل نشده است که پیامبر اسلام حتی یک‌بار در خانه رقیه و ام‌کلثوم را زده باشد؛ چرا پیامبر این رابطه بسیار صمیمانه را با دیگر دختران خود نداشته‌است؟! نه در مدینه و نه در مکه؟! مگر نه اینکه به ادعای اهل سنت آنها نیز یادگار خدیجه بودند؟! هرچند فاطمه زهرا برترین زنان عالم بوده است،

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۹؛ الإصابه، ج ۸، ص ۲۶۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، صص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ أسدالغابه، ج ۵، ص ۵۲۰.

ص: ۶۱

ولی اگر پیامبر دختری غیر از فاطمه داشت، شایسته بود که این رابطه صمیمانه بین آنها نیز وجود داشته باشد. یا در زمانی که کفار قریش به پیامبر اسلام ستم می‌کردند، دختران دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کجا بودند که از پدر حمایت کنند؟! بخاری و مسلم در صحیحشان نوشته‌اند:

از ابن مسعود روایت شده است که گفت: «هنگامی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر خانه کعبه نماز می‌گزارد، ابوجهل و همدستانش در نزدیکی خانه نشسته بودند و یک روز قبل از آن، بچه شتری نحر شده بود. ابوجهل به همدستان خود گفت: کدام یک از شما حاضر است برود و شکمبه آن شتر را بیاورد و هنگامی که محمد (صلی الله علیه و آله) در سجده است، آنها را روی شانه او بیفکنند؟ بدترین آنها پیش قدم شد و دستور ابوجهل را عملی ساخت. در حالی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سجده بود، آن شکمبه آلوده را روی شانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) افکند. ابوجهل و همدستانش از مشاهده این منظره بسیار خندیدند؛ به طوری که بعضی از آنها از شدت خنده به روی دیگری می‌افتاد!

[ابن مسعود می‌گوید: من در این هنگام گوشه‌ای ایستاده بودم و جریان را مشاهده می‌کردم. لیکن

ص: ۶۲

جرئت نداشتم که شکمبه را از روی شانه حضرتش بردارم. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همچنان در حال سجده بود و سر از سجده بر نمی‌داشت تا اینکه مردی به حضور حضرت زهرا (علیها السلام) شتافت و جریان را به عرض رسانید. حضرت فاطمه (علیها السلام) در حالی که از شنیدن این سخن به شدت ناراحت شده بود، آمد و آن را از روی دوش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برداشت و آنها را شماتت و ملامت کرد. (۱)

در تمامی گرفتاری‌هایی که برای پیامبر پیش می‌آمد، تنها کسی که می‌آمد پدر را دل‌داری می‌داد و زخم‌های او را مداوا می‌کرد فاطمه زهرا بود. اگر آنها نیز دختر رسول خدا بودند، شایسته بود که آنها نیز فاطمه را در دفاع از پدر یاری کنند.

بعد از جنگ احد که صورت نبی مکرم زخمی شده بود، رقیه و ام‌کلثوم کجا بودند که همانند فاطمه بیایند و زخم‌های پدر را شست‌وشو دهند؟!

مگر نه اینکه به قول آنها آن دو نیز دختران پیامبر بودند؛ پس چرا هیچ نوع رابطه‌ای بین پیامبر و دختران دیگرش نقل نشده است؟! ۲. در قضیه مباحله که پیامبر تمام بستگان درجه

---

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶۵؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۷۹.

ص: ۶۳

یک خود را انتخاب کرد، چرا دیگر دختران خود را نبرد و از بین «نساء» فقط فاطمه را انتخاب کرد؟!  
مسلم در صحیح خود می‌نویسد:

عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش (سعد بن ابی وقاص) نقل کرده است که معاویه سعد را امر کرد و گفت: «تو را چه مانع است که ابوتراب (علی بن ابی طالب (علیه السلام)) را دشنام دهی؟» [سعد] گفت: «من سه چیز (سه فضیلت) را از او در خاطر دارم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره وی فرموده است؛ هرگز وی را دشنام نخواهم داد. چنانچه من یکی از این سه فضیلت را می‌داشتم از شتران سرخ مو برایم محبوب‌تر بود... وقتی این آیه نازل گردید: ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را فراخواند و فرمود: خدایا، اینان اهل من هستند. (۱)

آیا نساءنا شامل دیگر دختران پیامبر نمی‌شد یا

۱- «عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التُّرَابِ؟ فَقَالَ: أَمَّا مَا ذَكَرْتُ ثَلَاثًا قَالَهُنَّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَنْ أُسَبَّهُ لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ... وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا. فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي». صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۳.

ص: ۶۴

پیامبر دختر دیگری غیر از صدیقه طاهره نداشت؟!!

۳. چرا هیچ کس از دیگر دختران پیامبر خواستگاری نکرد؟

قضیه دیگری که بطلان این قضیه را روشن می کند، این است که در هیچ جایی از تاریخ ثبت نشده است که در مدینه، شخصی از مهاجرین یا انصار به خواستگاری ام کلثوم رفته باشد؛ با اینکه برای خواستگاری از فاطمه زهرا و رسیدن به افتخار دامادی پیامبر، بر یکدیگر پیشی می گرفتند و هرکس دوست داشت این افتخار نصیب او شود. آیا ام کلثوم دختر پیامبر نبود یا اصلاً چنین دختری وجود خارجی نداشت؟!!

۴. حرمت جمع بین دختران رسول خدا و دختران دشمن خدا؛ علما و محدثان اهل سنت برای خردگی از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل کرده اند که آن حضرت در زمانی که فاطمه (علیها السلام) همسر او بود، دختر ابوجهل را نیز خواستگاری کرد. این امر باعث شد که صدیقه طاهره ناراحت شود و شکایت خود را پیش پیامبر ببرد. پیامبر اسلام وقتی از این قضیه با خبر شد، با عصبانیت به مسجد آمد و فرمود:

وَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَسُوءَهَا وَاللَّهِ

ص: ۶۵

لَا تَجْتَمِعُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَبِنْتُ عَدُوِّ اللَّهِ عِنْدَ رَجُلٍ وَاحِدٍ. (۱)

فاطمه پاره تن من است، من دوست ندارم کسی او را ناراحت کند. به خدا قسم نباید دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا نزد یک نفر جمع شود.

در روایت دیگری نیز نوشته‌اند که آن حضرت فرمود:

إِلَّا أَنْ يُرِيدَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يُطَلِّقَ ابْنَتِي وَيَنْكِحَ ابْنَتَهُمْ فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مَنِّي يُرِيئُنِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا. (۲)

اگر علی (علیه السلام) می‌خواهد دختر ابوجهل را بگیرد، باید دختر من را طلاق بدهد. فاطمه پاره تن من است؛ آنچه موجب رنجش فاطمه بشود، مرا می‌رنجاند. . . .

از آنجایی که بحث تنقیص مقام امیرمؤمنان (علیه السلام) در میان است، علمای اهل سنت این قضیه را با آب و تاب فراوانی نقل کرده‌اند؛ غافل از اینکه عثمان بن عفان نیز عملاً بین دختران پیامبر و دختران دشمنان خدا نه یک‌بار که چندین بار جمع کرده است. رمله بنت شیبه، یکی از همسران عثمان است که در مکه با او ازدواج کرد و از کسانی بود که همراه

۱- صحیح بخاری، ج ۴، صص ۲۱۲ و ۲۱۳

۲- همان، ج ۶، ص ۱۵۸؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱.

ص: ۶۶

عثمان به مدینه مهاجرت کرد. ابن عبدالبر در این زمینه می‌نویسد:

رمله بنت شیبۀ بن ربیعۀ کانت من المهاجرات هاجرت مع زوجها عثمان بن عفان. (۱)

رمله، دختر شیبۀ از کسانی بود که همراه همسرش عثمان به مدینه مهاجرت کرد.

شیبۀ از دشمنان پیامبر اسلام بود که در جنگ بدر به هلاکت رسید؛ ابن حجر می‌نویسد:

رمله بنت شیبۀ بن ربیعۀ بن عبد شمس العبشمیة قتل أبوها يوم بدر کافرا. (۲)

رمله، دختر شیبۀ... پدرش در جنگ بدر کشته شد، درحالی که کافر بود.

درحالی که نوشته‌اند در همان زمان رقیه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز همسر عثمان بوده است. ابن اثیر در اسدالغابۀ

می‌نویسد:

ولما أسلم عثمان زوجة رسول الله (صلی الله علیه و آله) بابنته رقیة وهاجرا كلاهما إلى أرض الحبشة الهجرتين ثم عاد إلى مكة و

هاجر إلى المدينة. (۳)

زمانی که عثمان اسلام آورد، رسول خدا دخترش

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۴۶.

۲- الإصابۀ، ج ۸، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳- أسدالغابۀ، ج ۳، ص ۳۷۶.



ص: ۶۷

رقیه را به همسری او در آورد. هر دوی آنها به سرزمین حبشه مهاجرت کردند. سپس وقتی از آنجا بازگشتند، به مدینه مهاجرت کردند.

علاوه بر این، عثمان با أم البنین بنت عیینه و فاطمه بنت الولید بن عبدشمس نیز ازدواج کرد؛ درحالی که پدر هر دوی آنها نیز در آن زمان از دشمنان خدا بودند.

اگر جمع بین دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا حرام بوده، چرا عثمان این عمل حرام را بارها مرتکب شده است؟! و اگر حرام نبوده، چرا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، به قول اهل سنت، اجازه چنین کاری را به امیرمؤمنان نداد؟! پس معلوم می‌شود که یا قضیه خواستگاری از دختر ابوجهل از اختراعات بنی‌امیه و برای تنقیص مقام امیرمؤمنان (علیه السلام) است یا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دختری غیر از صدیقه طاهره نداشته است.

۵. از دلایلی که ثابت می‌کند همسران عثمان دختر پیامبر نبودند، همان است که در کلام بسیاری از علمای اهل سنت، از جمله ضیاء المقدسی آمده است. (۱)

۱- «عن قتاده، قال: ولدت خدیجه لرسول الله ۹ عبدمناف فی الجاهلیه، وولدت له فی الاسلام غلامین، و أربع بنات: القاسم، و به کان یکنی: أباالقاسم، فعاش حتی مشی، ثم مات، و عبدالله، مات صغیرا و ام کلثوم وزینب و رقیه و فاطمه. . . . البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۱۳۹ و ج ۵، ص ۱۶.

ص: ۶۸

سعید بن ابی عروه به نقل از قتاده گفته است: خدیجه برای نبی مکرم اسلام، در عهد جاهلیت، عبدمناف را به دنیا آورد و بعد از اسلام، دو پسر و چهار دختر به نام‌های: قاسم - به خاطر او کنیه پیامبر را «ابوالقاسم» گذاشتند. آن قدر زنده بود که می‌توانست راه برود. بعد از آن فوت کرد - و عبدالله که خردسال فوت کرد و ام‌کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه را به دنیا آورد.

شهاب‌الدین قسطلانی بعد از نقل سخن مقدسی می‌نویسد:

گفته‌اند که خدیجه قبل از مبعث یک پسر برای او به دنیا آورد که به او عبدمناف می‌گفتند. غیر از عبدمناف بقیه فرزندان پیامبر بعد از مبعث متولد شده‌اند. (۱)

و ابن‌عبدالبر در الاستیعاب می‌نویسد: (۲)

زبیر گفته است: نخستین فرزند رسول خدا که به دنیا آمد، قاسم بود و او از همه بزرگ‌تر بود. پس از

۱- «وقیل: ولد له ولد قبل المبعث، یقال له: عبدمناف، فیکونون علی هذا اثنی عشر، وکلهم سوی هذا ولد فی الاسلام بعد المبعث». المواهب اللدنیة، ج ۱، ص ۱۹۶

۲- «و قال الزبیر: ولد لرسول الله ۹ القاسم و هو أكبر ولده ثم زینب ثم عبدالله و كان یقال له الطیب و یقال له الطاهر ولد بعد النبوة ثم ام کلثوم ثم فاطمة ثم رقیة». الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

ص: ۶۹

او زینب و پس از وی عبدالله که به وی طیب یا طاهر نیز می‌گفتند بعد از نبوت متولد شد. پس از آن ام‌کلثوم، سپس فاطمه و پس از وی رقیه به دنیا آمد.

از طرف دیگر نوشته‌اند که رقیه کوچک‌ترین دختر رسول خدا و حتی از حضرت زهرا (علیها السلام) نیز کوچک‌تر بوده است. چنانچه ابن کثیر دمشقی می‌نویسد: (۱)

بزرگ‌ترین فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله) قاسم و پس از آن، زینب، عبدالله، ام‌کلثوم، فاطمه و پس از آن رقیه بوده است. با این تفصیل، چگونه می‌توان این سخن اهل سنت را تصدیق کرد که رقیه با عثمان ازدواج کرده، بعد با او به حبشه مهاجرت نموده و حتی در داخل کشتی فرزندی از او سقط شده است؟! با اینکه می‌دانیم هجرت اول به حبشه در سال پنجم بعد از بعثت بوده است! و همچنین بسیاری از علمای اهل سنت نوشته‌اند که ام‌کلثوم و رقیه قبل از اینکه با عثمان ازدواج کنند

---

۱- «أكبر ولده عليه الصلاة والسلام القاسم، ثم زینب، ثم عبدالله، ثم ام‌کلثوم ثم فاطمة ثم رقیة. . .» .

ص: ۷۰

در عقد پسران ابی لهب بوده‌اند و بعد از آنکه سوره «تبت» در حق ابی لهب نازل شد، وی به فرزندانش دستور داد که دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را طلاق بدهند. ابن اثیر در اسدالغابه می‌نویسد: (۱)

رسول خدادخترش رقیه را به عتبه پسر ابی لهب و ام کلثوم را به عتیه پسر دیگر ابولهب داد. وقتی سوره تبت نازل شد، ابولهب و همسرش ام‌جمیل که همان «حمالة الحطب» باشد، به پسرانش دستور دادند که دختران محمد را طلاق دهند. پس آنها را طلاق دادند. . . .

درحالی که می‌دانیم، سوره تبت زمانی نازل شد که مسلمانان در شعب ابی طالب در محاصره بودند. (۲) و محاصره در شعب ابی طالب، سال ششم هجری و پس از هجرت به حبشه بود. با این حال چگونه می‌توان تصدیق کرد که دختر پیامبر همسر عثمان بوده باشد؟

۶. محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد که شخصی نزد عبدالله بن عمر آمد و از او سؤال‌هایی

- ۱- «قد زوج ابنته رقیة من عتبة بن أبلهه و زوج أختها ام کلثوم عتیبة بن أبلهه فلما نزلت سورة تبت قال لهما أبوهما ابولهب وأمهما أم جمیل بنت حرب بن أمیة حمالة الحطب فارقا ابنتی محمد ففارقاهما. . .». . اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۵۶
- ۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۸.

ص: ۷۱

کرد؛ از جمله نظر او را درباره عثمان و امام علی (علیه السلام) پرسید؛ وی در مقایسه بین عثمان و حضرت علی (علیه السلام) می‌گوید:

أَمَّا عُثْمَانُ فَكَأَنَّ اللَّهَ عَفَا عَنْهُ وَ أَمَّا أَنْتُمْ فَكِرِهْتُمْ أَنْ تَعْفُوا عَنْهُ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَأَبْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ خَتَنُهُ... (۱).  
 اما عثمان، خداوند از گناه او (فرار وی در جنگ احد) درگذشت؛ ولی شما دوست ندارید که او را ببخشید. اما علی (علیه السلام) پس او پسرعموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و داماد اوست.

بنابراین روایت، دفاع عبدالله بن عمر از عثمان فقط در این مطلب خلاصه می‌شود که خداوند از گناه فرار وی در جنگ احد در گذشته است. ولی صحابه‌ای که علیه او خروج کردند، او را نبخشیده و عثمان را کشتند. ولی متذکر نمی‌شود که عثمان داماد پیامبر نیز بوده باشد. اما درباره امیرمؤمنان (علیه السلام) استدلال می‌کند که او پسرعموی پیامبر و داماد آن حضرت است. اگر عثمان داماد پیامبر بود، باید ابن عمر به آن استدلال می‌کرد؛ زیرا وی تمام تلاش خود را کرد که

ص: ۷۲

هر نوع تهمتی از عثمان دور شود و معنا ندارد که وقتی دلیل قوی‌تری همانند دامادی پیامبر وجود دارد، وی با برهانی بی‌پایه و سست استدلال کند؛ زیرا عفو خداوند فقط شامل کسانی می‌شد که بعد از فهمیدن زنده بودن پیامبر، برگشتند و شامل عثمان که پس از سه روز برگشت، نمی‌شد. حتی اگر فرض کنیم که عفو خداوند شامل عثمان نیز بشود، سبب نخواهد شد که خداوند تمامی گناهان او را که حتی پس از آن نیز انجام داده، بخشیده باشد؛ بلکه حد اکثر شامل فرار او در همان جنگ می‌شود.

بنابراین شایسته بود که اگر دامادی عثمان صحت داشت، به آن استناد می‌کرد.

۷. حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از غصب فدک به دست ابوبکر، به مسجد آمد و خطبه‌گراییی خواند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. آن حضرت در بخش‌هایی از این خطبه می‌فرماید:

أنا فاطمة بنت محمد أقولها عودا علی بدء، و ما أقول ذلك سرفا ولا شططا. . . فإن تعزوه تجدوه أبی دون نساءکم و آخا ابن عمی دون رجالکم، فبلغ الرسالة صادعا بالرسالة ناکبا عن سنن مدرجة المشرکین، ضاربا لثجهم آخذا بأکظامهم، داعیا إلی

ص: ۷۳

سبیل ربه بالحکمة والموعظة الحسنة. (۱)

ای مردم آگاه باشید که من فاطمه و پدرم محمد است. گفتارم تماماً یکنواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است. . . . اگر تحقیق کنید [پیامبر اسلام] پدر من بود نه پدر زنان شما و با پسرعموی من عقد اخوت بسته بود نه شما. اگر زنان عثمان دختران پیامبر بودند، نباید فاطمه زهرا (علیها السلام) که سرور زنان بهشت است، چنین سخنی بگوید و از طرف دیگر عثمان نیز می‌توانست به این سخن حضرت اعتراض کند که زنان من نیز دختران پیامبر بودند. بنابراین اصل مسئله ازدواج عثمان با دختران پیامبر مورد تردید و شک است. (۲)

۱- مناقب علی بن ابی طالب، ۷، ص ۲۰۲؛ السقیفة و فدک، ص ۱۴۲

۲- ر. ک: الصحيح من سیره النبی، ج ۱، صص ۱۲۳ - ۱۲۶.





ص: ۷۵

## فصل چهارم: شیما فواهر رضاعی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

اشاره



ص: ۷۷

## نام و نسب

خواهر رضاعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) شیماء (۱)، شماء (۲) یا شیاء سعیدیه (۳) نام داشت. پدر وی حارث و مادرش حلیمه، دختر ابی ذؤیب سعیدیه بود. (۴)

گروهی نام شیما را «جدامه» (۵) و گروهی دیگر «حذافه» (۶) دانسته‌اند.

- ۱- «شیماء» به معنای زن خال‌دار است؛ الکامل، علی بن ابی‌کرم ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۲۰
- ۲- الاستیعاب، محمد بن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۷۰
- ۳- البدایه و النهایه، اسماعیل بن عمر بن کثیر، ج ۴، ص ۳۶۴
- ۴- الإصابه، احمد بن علی بن حجر، ج ۸، ص ۶۲؛ أسد الغابه، علی بن محمد الجزری، ج ۶، ص ۴۷
- ۵- الإصابه، ج ۸، ص ۶۲؛ أسد الغابه، ج ۶، ص ۴۷؛ شرف النبی، ابوسعید واعظ خرگوشی، ص ۶۴۲؛ المنتظم، علی بن محمد بن جوزی، ج ۲، ص ۲۵۹؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۹
- ۶- أسد الغابه، ج ۶، صص: ۶۳ و ۱۶۷؛ البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۷۳؛ دلائل النبوه، احمد بن حسین بیهقی، ج ۱، ص ۱۳۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۰۹.

ص: ۷۸

زمانی که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) متولد شد، در جست‌وجوی دایه برای این طفل، زنی به نام حلیمه (۱) را یافتند که از قبیله بنی‌سعد بن بکر بود. با اجیر کردن حلیمه برای شیر دادن به محمد (صلی الله علیه و آله)، او در جایگاه اصلیتین شخصیت دوران شیرخوارگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت و حدود دو سال به این امر مهم پرداخت. شوهر حلیمه، حارث بن عبدالعزی بن رفاعة بود و نسبش به بکر بن هوازن می‌رسید. برادر رضاعی آن حضرت، عبدالله و خواهرانش انیسه و شیماء نام داشتند که این سه نفر از فرزندان حلیمه سعیدیه بودند. در مدت حضور با برکت محمد (صلی الله علیه و آله) در قبیله بنی‌سعد، شیما به کمک مادرش از این نگین بی‌نظیر آفرینش نگهداری می‌کرد. (۲)

در روایتی که امام صادق (علیه السلام) از جدّ بزرگوارشان

۱- دختر ابی ذؤیب بن عبدالله بن الحارث بن شجنه بن ناصره بن عصبیه بن نصر بن سعد

۲- الإصابة، ج ۸، ص ۲۰۵؛ أسد الغابه، ج ۶، ص ۱۶۷؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۷۰؛ تاریخ الإسلام، محمد بن احمد ذهبی، ج ۲، ص ۶۱۰؛ الکامل، ج ۵، ص ۱۲۰؛ دلائل النبوة، ج ۵، ص ۲۰۰؛ تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، ج ۱، ص ۳۵۶؛ البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر المقدسی، ج ۲، ص ۶۴۴؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۷۰۸؛ دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۰۱؛ تراجم سیدات بیت النبوة، عایشه عبدالرحمان بنت الشاطی، ص ۱۴۸.

ص: ۷۹

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند، به نقش حلیمه در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره کرده، می‌فرمایند: جبرئیل پیغام آورد که خدای تعالی می‌فرماید: حرام کردم آتش را به صلبی که تو از آن به وجود آمدی که همانا عبدالمطلب و عبدالله می‌باشند و به رحمی که تو را حمل کرده و منظور آمنه است و به دامانی که تو را کفالت نموده و او ابوطالب می‌باشد و به پستانی که تو را شیر داده؛ یعنی حلیمه سعديه. (۱)

حلیمه، زنی معروف به حسن و جمال بود. زمانی که عبدالمطلب خواست محمد (صلی الله علیه و آله) را به وی بسپارد، پرسید: «از کدام قبیله‌ای؟» او جواب داد: «از بنی سعد». پرسید: «نامت چیست؟» گفت: «حلیمه». عبدالمطلب از نام او و قبیله‌اش شادمان شد و فرمود: «آفرین، آفرین! دو خوی پسندیده و خصلت شایسته، یکی سعادت و خوشبختی و دیگری حلم و بردباری». (۲)

۱- ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۱۵۸

۲- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۴، ص ۹۱.



## جریان اسارت شیما

در پی اطلاع یافتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از استقرار قبیله هوازن به فرماندهی مالک بن عوف نصری، در منطقه «خنین» که گروه بسیاری را نیز به همراه زنان و فرزندان آورده بود، ایشان دستور داد که لشکری بزرگ (دوازده هزار نفر) تجهیز شود و به سمت آنها حرکت کند.

با رسیدن مسلمانان به منطقه و هجوم جنگجویان هوازن که در دره کمین کرده بودند، فضا بسیار سخت و ناگوار شد؛ به گونه‌ای که بیشتر مسلمانان از اطراف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پراکنده شدند و تنها نه یا ده نفر از بنی‌هاشم باقی ماندند که عبارتند از: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، عباس بن عبدالمطلب، ابوسفیان بن حارث، نوفل بن حارث، ربیعہ بن حارث، عتبہ و معتب پسران

ص: ۸۲

ابولهب، فضل بن عباس، عبدالله بن زبیر بن عبدالمطلب و بنابر نقلی ایمن بن [ام] ایمن. ولی سرانجام خداوند، پیامبر خود را پیروز کرد و او را با لشکریایی از فرشتگان نیرومند ساخت.

علی بن ابی طالب ( علیه السلام) نیز در پیکار با پرچمدار هوازن، او را به هلاکت رساند و این امر باعث ترس دشمنان اسلام شد. نتیجه این جنگ برای قبیله هوازن این بود که بسیاری از آنان کشته و افراد زیادی هم اسیر شدند که تعداد آنها به هزار تن می‌رسید. همچنین غنیمت‌های فراوانی به دست آمد که به‌جز آنچه ربوده شده بود، به دوازده هزار شتر می‌رسید. (۱)

در میان لشکر دشمن، مردی به نام «بجاد» بود. او که از قبیله بنی‌سعد بود، مرد مسلمانی را که به آن قبیله رفته بود، کشته، قطعه قطعه کرده و سپس جسدش را سوزانده بود. وقتی بجاد متوجه جرم سنگین خود شد، فرار کرد. (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سپاهیان خود دستور داد با هر وسیله ممکن بجاد را دستگیر کنند. آنها نیز هنگام

---

۱- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ج ۱، ص ۴۲۳

۲- المغازی، محمد بن عمر الواقدی، ص ۶۹۷.



ص: ۸۳

تعقیب دشمن، او را به همراه گروهی از قبیله‌اش دستگیر کردند.

در بین این اسیران، «شیما»، خواهر رضاعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز دیده می‌شد. او وقتی دید مسلمانان آنها را با تندی و خشونت به سوی اردوگاه می‌برند، صدا زد: «ای مردم! قدری آرام‌تر! به خدا من خواهر رضاعی صاحب [و بزرگ] شما هستم». ولی مسلمانان که او را نمی‌شناختند، سخنش را باور نکردند و آنها را با همان وضعیت نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بردند. هنگامی که به محضر آن حضرت رسیدند، شیما به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) من خواهر رضاعی شما هستم».

حضرت فرمود: «نشانه‌ای بر این ادعا داری؟». عرض کرد: «آری، روزی من شما را روی زانوی خود نشانده بودم و شما پشت مرا دندان گرفتی».

پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخنش را تصدیق کرد، برخاست و ردای خود را پهن کرد و شیما را بر آن نشانده و به او خوشامد گفت. در این هنگام چشمان شیما پر از اشک شد. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره پدر و مادر شیما سؤال کرد و او خبر داد که مدت‌ها پیش هر دو از

ص: ۸۴

دنیا رفته‌اند.

بعد از شنیدن این جواب رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

اگر بخواهی پیش ما بمانی، محبوب و مکرم خواهی بود و اگر دوست داشته باشی برگردی، می‌توانی بروی و نزد اقوام و خویشاوندان خود زندگی کنی.

شیما پیشنهاد دوم آن حضرت را پذیرفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز، چنانچه بنی‌سعد نقل می‌کنند، غلامی به نام «مکحول» به همراه کنیزی به او داد که شیما آن دو را به ازدواج یکدیگر در آورد و همچنان نسل ایشان در این قبیله باقی است. (۱) در نقلی آمده است که شیما با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره اسیران سخن گفت و عرض کرد: «راستی که اینان خاله‌ها و خواهران تواند».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: «ما کان لی و لبینی هاشم فقد وهبته لک»؛ «آنچه از آن من و بنی‌هاشم است را به تو

- ۱- المغازی، ص ۶۹۷؛ الإصابة، ج ۸، ص ۲۰۵؛ أسدالغابه، ج ۶، ص ۱۶۷؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۷۰؛ تاریخ الإسلام، ج ۲، ص ۶۱۰؛ الکامل، ج ۵، ص ۱۲۰؛ دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۰۱ و ج ۵، ص ۲۰۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۵۶؛ البدء و التاریخ، ج ۲، ص ۶۴۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۰۸ و ج ۳، ص ۱۲۰۷؛ التنبيه والإشراف، ص ۲۰۹.

ص: ۸۵

بخشیدم».

بدین ترتیب مسلمانان نیز مانند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) همه اسیرانی را که در بند داشتند، به شیما بخشیدند. (۱)

---

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۲۵.

ص: ۸۶

کتابنامه

ص: ۸۷

\* قرآن کریم.

۱. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، محمد بن الحسن الطوسي، تصحيح: محمد آخوندي، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۸۳. ش

۲. الاستغاثه، علی بن احمد الکوفی، براساس نسخه معجم فقهی آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، بی‌جا، بی‌تا.

۳. الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲هـ. ق.

۴. اسدالغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد الجزری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹هـ. ق.

۵. الإصابه فی تمييز الصحابه، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ. ق.

۶. إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، أحمد بن علی المقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ. ق.

.۷

ص: ۸۸

۸. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر مجلسی، چاپ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. البدء و التاريخ، مطهر بن طاهر المقدسی، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۱۰. البداية و النهاية، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ه. ق.
۱۱. بنات النبی ام ربائبه، جعفر مرتضی العاملی، قم، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵ ه. ق.
۱۲. تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، محمد بن حسن الطبرسی، قم، مكتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۱۳. تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، تحقیق: خلیل شحادة، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۴. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۵. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، بیروت، دار صادر.
۱۶. تراجم سیدات بیت النبوة، عایشه عبدالرحمان بنت الشاطی، قاهره، دارالذیان للتراث، ۱۴۰۷ ه. ق.
۱۷. تصویر خانواده پیامبر در دایرة المعارف اسلام، زیر نظر: محمود تقی‌زاده داوری، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷ ه. ش.

.۱۸

ص: ۸۹

۱۹. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن الحر العاملی، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۳. ق.
۲۰. تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن الطوسی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵. ش.
۲۱. جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲. ش.
۲۲. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی‌طالب، محمد بن احمد دمشقی، تحقیق: محمدباقر محمودی، بی‌جا، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۵. ق.
۲۳. الحدائق الناضره، یوسف البحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۰۹. ق.
۲۴. الخصال، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، قم، جامعه مدرسین، بی‌تا.
۲۵. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال‌الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴. ق.
۲۶. دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، احمد بن الحسین البیهقی، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵. ق.
۲۷. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴. ق.
۲۸. السقیفه و الفدک، احمد بن عبدالعزیز الجوهری، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
- ۲۹.

ص: ۹۰

۳۰. سیر اعلام النبلاء، محمد حسین الذهبی، چاپ نهم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۱. السیره الحلبیه، علی بن برهان‌الدین الحلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۳۲. السیره النبویه، اسماعیل بن کثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ه.ق.
۳۳. السیره النبویه، عبدالملک بن هشام الحمیری المعافری، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۳۴. شرف النبی، ابوسعید واعظ خرگوشی، تحقیق: محمد روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱ه.ش.
۳۵. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ه.ق.
۳۶. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج النیسابوری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۷. الصحیح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی العاملی، چاپ چهارم، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۵ه.ق.
۳۸. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ه.ق.
۳۹. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ه.ق.
۴۰. الکامل فی التاریخ، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم (ابن‌الأثیر)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ه.ق.
۴۱. کتاب المغازی، محمد بن عمر الواقدی، تحقیق: مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ه.ق.
- ۴۲.



ص: ۹۱

۴۳. کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، تحقيق: سهيل زكار و رياض زرکلی، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۷هـ. ق.
۴۴. المبسوط في فقه الاماميه، محمد بن حسن الطوسي، تحقيق: محمدباقر بهبودی، بی‌جا، المكتبة الرضويه، ۱۳۸۷هـ. ش.
۴۵. مناقب الامام علي بن ابي طالب، ابن مغزلی، تهران، المطبعة الاسلاميه، ه. ق.
۴۶. المنتظم في تاريخ الأمم و الملوك، عبدالرحمان بن علي بن محمد بن الجوزي، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۲هـ. ق.
۴۷. منتهی المطلب، حسن بن يوسف بن علي الحلبي، تبريز، نشر حاج احمد، ۱۳۳۳هـ. ش.
۴۸. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، احمد بن محمد القسطلانی، بی‌جا، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۶هـ. ق.
۴۹. نساء حول الرسول، محمد برهان، بيروت، دارالجليل، ۲۰۰۵م.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

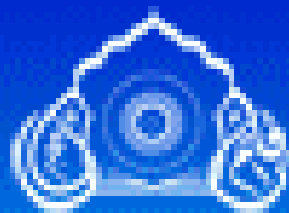
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

